

# مطالعه علوم قرآنی

نوشته شریف زاده

بهرچه قرائت شدنی است قرآن گفت و بآن اسم نامید در صورتیکه واقعا چنین نیست شاید بتوان گفت ارجح آراء همین است که از قرء بمعنی تلاوت ماخوذ است.

بعضی گفته اند قرء بمعنی تلاوت ماخوذ از اصل آرامی است که در بین عرب متداول شده است.

(آرامی رشته ای است از رشته های لغات سامیه مانند بابلی- آشوری- عبری سبئی- معینی - عربی- حبشی)

در صورتیکه ثابت شده باشد که از لغات آرامی در زبان عربی وارد شده است با توجه باینکه متداول در عرب قبل از اسلام بوده لغت عربی محسوب میشود و با استعمال آن در قرآن، کتاب الهی را از عربی بودن خارج نمی سازد.

مستشرقینی از قبیل کسرنیکو Krankovo بسراجه تراش (۳)

G. Bergtsaesser در بحث از لفظ کتاب در دائرة المعارف الاسلامیه خویش و همچنین بلاشر Blachère مدعی هستند که بحکم همسایگی بسیاری از لغات آرامی- حبشی - یهلوی و غیره در لغات عرب وارد شده است.

بلاشر Blachère در کتاب خویش کلمات زیادی را نام میبرد که از آن قبیل است قرء - کتب- کتاب- تفسیر- تلمیذ- فرقان - قیوم - زندیق- دجال و مسی گوید این لغات ماخوذ از ریشه های آرامی و غیر آن است.

خلاصه اگر گفتار وی صحیح و یا ناروا باشد با توجه باینکه کلمات مزبور در عرب قبل از اسلام معمول بوده بنا بر این عربی محسوب میگردد.

در قرن نهم جلال الدین بلقینی متوفی ۸۲۴ کتاب «مواقع العلوم من مواقع النجوم» را برشته تحریر در آورده است .

در قرن دهم جلال الدین سیوطی متوفی ۹۱۱ کتاب التخبیر فی علوم التفسیر و پس از آن الاتقان فی علوم القرآن را تالیف کرده است .

در قرون اخیر کتب زیادی درباره علوم قرآن برشته تحریر در آمده است که ما در صد شرح هر یک از آنها نیستیم. **بحث لغوی قرآن - لفظ قرآن و اشتقاق آن و اسماء دیگر قرآن:**

قرآن بر وزن غفران (فعالان) از قرء بمعنی تلاوت کردن و مصدر است به معنی اسم مفعول چنانکه در آن قرآن کریم میفرماید « ان علينا جمعه و قرآنه (۱) - فاذا قرأناه فاتبع قرآنه (۲) » بدین معنی که جمع قرآن و تلاوت آن با هم است. چون آنرا تلاوت کنیم از ما پیروی نما.

این نظر که در باره اشتقاق آن گفتیم نظر لحنی است.

زجاج آنرا فعالان از قرء بمعنی جمع دانسته است.

اشعری آنرا مشتق از قرن بمعنی ضمیمه کردن چیزی بچیزی دیگر پنداشته است. و گفته است چون سور و آیات بهم دیگر مقرون میباشند لذا قرآن نامیده شده اند.

فراء معتقد بوده است که از قرائن جمع قرینه مشتق است و گفته است چون آیات بهم دیگر شبیه میباشند گانه بعضی بر بعض دیگر قرینه میباشند

شافعی عقیده داشته است که « لفظ قرآن اصلا» مشتق نیست بلکه به نحو

ارتجال برای کلام منزل بر پیغمبر (ص) علم شده است، مانند تورات و انجیل. گفته است اگر از قرائت ماخوذ باشد باید بتوان

قرآن کتابی است الهی که از طرف پروردگار بوسیله وحی بر پیغمبر اکرم محمد بن عبدالله (ص) خاتم الانبیا نازل شده است.

قسمتی از مباحث متعلق بقرآن از قبیل اعجاز و وجوه آن، جمع قرآن ، رسم آن، قرائت مختلفه، اسباب نزول، علم ناسخ و منسوخ، علم اعراب قرآن، علم غریب قرآن و مانند آنها مورد بررسی و مطالعه علماء اسلام قرار گرفته و در اصطلاح بنام علوم قرآن نامگذاری شده است.

در رساله ای که در بحار الانوار (باب ۱۲۸ از صفحه ۹۴ تا ۱۱۹ جلد ۱۹) از - روایت نعمانی از حضرت امیر المؤمنین (ع) نقل کرده، در حدود شصت نوع از انواع علوم قرآن با ذکر مثال شرح داده شده است . و از طرف صحابه و تابعین و تابعین تا بعین و روایت و علماء شیعه و سنی در انواع مختلفه از علوم قرآن، کتب و مصنفاتی تدوین گردیده است.

ظهور اصطلاح علوم قرآن که مباحث مخصوصی بنام علوم قرآن نام گذاری شده در اوائل قرن چهارم هجری است . علی بن ابراهیم حوفی متوفی ۳۳۰ کتابی تالیف کرده است بنام « البرهان فی علوم القرآن ».

در قرن ششم هم ابن جوزی متوفی ۵۹۷ ه دو کتاب تالیف کرده یکی بنام فنون الاقنان فی علوم القرآن، و دیگری بنام المجتبی فی علوم تتعلق بالقرآن در قرن ۷ سخاوی متوفی ۶۴۱ ه کتاب جمال القراء و ابوشامه متوفی ۶۶۵ کتاب السمرشد الوجیز فیما يتعلق بالقرآن العزیز را تالیف نموده است.

در قرن ۸ هم بدرالدین زرکشی متوفی ۷۹۴ کتاب البرهان فی علوم القرآن را نوشته است.

# سخن در وحدت وجود و بیان مراد و معنی از این کلمه بطوریکه مطابق عقل و ذوق و شرع انور است

## الرسالة الفارقة والمالحة الفائقة

- مقصود این است که صاحب این قول یعنی، معنی سوم از وحدت وجود بطوریکه دانسته شد عقیده دارد که این معنی صحیح و مطابق برهان و ذوق است و منافای امری نیست .  
والعلم عندالله سبحانه .
- تفسیر چهارم آنکه مراد از وحدت وجود وحدت وجود و وحدت در نظر مردم آگاه و بیدار است که از خوابگاه طبیعت و نفس وهوی بیدار شده بعوالم کثرت و تعینات بی شمار عالم امکان و قوی نگذارده اعتنائی ندارد .
- توضیح این معنی آن است که بدون شبهه و تردید کثرت و تعدد و اختلاف انواع و اصناف و افراد راهمه میدانیم و می بینیم و از طرفی هم حضرت حق عزاسمه در ایجاد و تکوین ممکنات مختلفه بعلم و قدرت و اراده و حیوة ظهور در همین انواع ممکنات فرموده و تجلی نموده و تجلی متکلم فصیح و بلیغ در کلام و سخن خود که در نهایت فصاحت و بلاغت ادا نماید و مانند کسی که نشسته و چندین قسم آینه در اطراف خود نهاده و در همه آنها ظهور نموده است ولیکن آینه ها در جنس مختلف باشند و هر کدام صورت شخص را بنوعی از کوچکی و بزرگی و صفا و کدرت ظاهر نمایند .
- پس آنچه از متکلم در کلام خود و از شخص در آینه هویداست ظهور اوست نه وجود او و نه حلول در آینه و نه اتحاد با آینه و اینهم بدیهی است که هر گاه شخص دیگری به این مظاهر و مرئی مختلفه نظر نماید هم صورت شخص اول را مختلف در آینه می بیند و هم جسم و شکل و مقدار آینه را می بیند .
- حال اگر از غایت علاقه و توجه بصاحب صورتهای مختلفه از اینهمه صور مختلفه فقط توجه تام باصل صاحب آنها معطوف شد و کوچکی و بزرگی صور که مناط اختلاف و کثرت بودند بنظر نیامد و جسم و شکل آینه هم در نظر نمودار نگردید و از تمام خصوصیات سخن و کلام از لطافت و بلاغت و فصاحت آن فقط قدرت گوینده و لطافت روح و ذوق طرح ریزی سخن را دید و از جمیع صور متعدده مرئی و آئینه ها همان شخص عاکس را مشاهده نمود این معنی را وحدت وجود در نظر و فناء فی السورة گویند .
- و از اینجا معلوم شد که معنی صحیح و خالی از همه اشکال و شبهه در تفسیر وحدت وجود معنی چهارم است که موحد حقیقی از تمام اعیان ممکنات و حقایق وجودات امکانیه فقط ظهور قدرت و صفات کمالیه را دید و جهات خلقیه خود اشیاء ممکنات را در نظر نگرفت و در این نظر است که آسمان و زمین بهم متصل و بپرو بحر بهم مرتبط و فصل بین اشیاء در نظر برخیزد و عارف بحق در توحید خالص خود اضافات را اسقاط نموده بجز حق و صفات او در نظر نیآورد این معنی وحدت وجود و فناء فی الله است و در شرع مطهر که اخلاص در عبادت شرط است مقدمه و حصول باین مقام است که تمرین باین اخلاص شخص را مستعد از برای وصول به حوضی لجه غرقان که معنی چهارم است مینماید و این مقدار از سخن در این مقام کافی است و جامع همه مزایای مطلب است .
- راقم این سطور باز حمت نسخه دانشکده ادبیات را که بسیار در هم و آشفته است تصفح کرده ابن العتائقی را تحت عنوان ، الشيخ عبدالرحمن العتائقی پیدا کرد که در آن چنین آمده است «الشیخی عبدالرحمن بن العتائقی سیبھی بعنوان الشيخ کمال الدین عبدالرحمن بن محمد بن ابراهیم العتائقی الحلی ، ولی متاسفانه پس از جستجوی بسیار در باب کاف تحت عنوان کمال الدین هم تذکره حال او در آن نسخه بدست نیامد .
- (۸) در ریحانة الادب ج ۶ ص ۸۱ این شرح در سه جلد بزرگ آمده است . مرحوم حاج میرزا حسین نوری در جلد سوم کتاب «مستدرک الوسائل و مستنبط الوسائل» ص ۵۱۳ در ذکر شروح کتاب نهج البلاغه در باره شرح نهج البلاغه ابن العتائقی چنین مینویسد : « شرح العالم الجلیل کمال الدین عبدالرحمن بن محمد بن ابراهیم العتائقی الحلی من علماء المائة الثامنة وهو شرح کبیر فی اربع مجلدات اختاره من شروح اربعة وهو شرح کبیر لابن میثم و شرح القطب الکیدری و شرح القاضی عبد الجبار و شرح ابن ابی الحدید» انتهى .
- (۹) عبد العزیز در کتاب ریاضی ظاهراً اشتباه کاتب است و صحیح عبد الحمید بن هبة الله بن محمد ، معروف به عزالدین ابن ابی الحدید (۵۸۶-۵۶۵هـ) است رک ، الاعلام زر کلی ج ۴ ص ۶۰ .
- (۱۰ و ۱۱) روضات الجنات ج ۳ ص ۳۴۹ ، اعیان الشیعه ج ۳۷ ص ۱۷۳ .
- (۱۲) مراد شیخ تقی الدین ابراهیم بن علی بن الحسن العاملی منسوب به کفعم از دیه های جبل عامل است وی صاحب کتاب البلد الامین والمصباح است که آنرا در ۸۹۵ هـ تصنیف کرده است (الکنی واللقاب ج ۳ ص ۹۵) .
- (۱۳) ایضاً روضات الجنات و اعیان الشیعه .
- (۱۴) ایضاً روضات الجنات و اعیان الشیعه .
- (۱۵) ایضاً روضات الجنات و اعیان الشیعه .
- (۱۶) ریحانة الادب ج ۶ ص ۸۱ معجم المؤلفین ج ۵ ص ۱۶۷ .
- (۱۷) اعیان الشیعه ج ۳۷ ص ۱۷۱ .
- (۱۸) اعیان الشیعه (۱۹) ایضاً اعیان الشیعه .
- (۲۰) ایضاً اعیان الشیعه (۲۱) ایضاً اعیان الشیعه ج ۳۷ ص ۱۷۲ .
- ۲۲ - الکنی واللقاب ج ۳ ص ۱۲ .
- (۲۳ و ۲۴) - ایضاً اعیان الشیعه و ریحانة الادب .
- ۲۵-۲۶-۲۷-۲۸-۲۹-۳۰ (۳۱) رک ایضاً ، اعیان الشیعه والکنی واللقاب ج ۱ ص ۳۴۲ ، و سفینه البحار ج ۲ ص ۱۵۷ ، و هدیة الاحباب ص ۱۷۳ .
- (۳۲) خزائن الکتب القدیمه فی العراق ص ۱۳۵ .
- (۳۳) الذریعه الی تصانیف الشیعه ج ۱۱ ص ۲۲۰ شماره ۱۳۳۹ .
- (۳۴) بیشک این تاریخ اشتباه است و «سنة ثمان و سبعین و سبعمائه» صحیح است زیرا چنانکه در شرح حال مؤلف در پیش بیان کردیم تاریخ وفات ابن العتائقی در سال ۷۹۰ هجری بوده است .